



کمال کورشپایک^(۱) سردبیر روزنامه
اوسلوبودینی (آزادی)^(۲) ساریووست.

ترجمه احمد رضا مشیری

انتشار زیر رگبار گلوله‌ها

گفت‌وگو با کمال کورشپایک
سردبیر روزنامه اسلوبودینی ساریوو

پایتخت قرار دارد درست در خط مقدم است در این حال، هیأت تحریریه - جایی که در آن کرواتها، صربها، و مسلمانها شانه به شانه همه کار می‌کنند - تنها در فضای هزارمتری از ساختمانی که هنوز سرپا ایستاده می‌کوشد روزنامه را به هر شکل ممکن زنده نگاه دارد. خطوط اصلی ارتباطی این روزنامه با بیرون قطع شد؛ نه فاکس وجود دارد، نه تلفن. بندرت پیش می‌آید که خطی با ساریوو برقرار شود. تاکنون تعدادی از اعضای تحریریه این روزنامه در حملات متعدد کشته و مجروح شدند. کار ساده بیرون رفتن از روزنامه و داخل شدن به آن بی‌نهایت خطرناک است.

اعضای تحریریه، پنج ماه را بدون آب و برق گذراندند و در نور شمع کار می‌کردند برای اینکه در مصرف کاغذ صرفه‌جویی شود تعداد صفحات روزنامه را کاهش داده و تیراژ آن را از ۶۰ هزار به چند هزار پایین آوردند و...

او سرپرست گروه ۶۰ نفری روزنامه‌نگارانی از اقوام گوناگون است که در طول محاصره ساریوو روزنامه را منتشر می‌کرده‌اند. سه نفر از اعضای گروه کشته، پنج نفر مفقودالثر و بیش از بیست نفر زخمی شده‌اند.

کورشپایک در بیش از یک سال اخیر نخستین بار است که ساریوو را به منظور گرفتن «جایزه شجاعت در روزنامه‌نگاری»^(۳)

از «بنیاد بین‌المللی رسانه‌ها»^(۴) ترک کرده است. او در نیویورک با کارن برسلو^(۵) و تام‌یست^(۶) از نیوزویک گفت و گوی انجام داده که گزیده آن

دوره‌ای و یک چاپخانه که به چاپ کتاب نیز می‌پرداخت، در حدود ۴۰ دفتر نمایندگی در یوگسلاوی و چندین نماینده دائمی در پایتختهای مهم خارجی داشت.

پس از شروع جنگ در یوگسلاوی سابق از آن همه مطبوعات فقط همین روزنامه - اسلوبودینی - مانده است. اسلوبودینی که بر دروازه‌های

ساختمان روزنامه اسلوبودینی با ۱۲ طبقه یکی از مدرنترین ساختمانهای «ساریوو» بود. پیش از جنگ، اسلوبودینی نه تنها یک روزنامه بود بلکه مهمترین گروه مطبوعاتی بوسنی - هرزگوین و دومین روزنامه یوگسلاوی سابق به شمار می‌رفت. با سرمایه‌ای در حدود ۴۰ میلیون دلار، ۳۰۰ کارمند، دوروزنامه، ۲۰ هفته نامه، مجلات

اشاره

از نظرتان می‌گذرد:

نیوزویک: شما چگونه انتشار روزنامه‌ای را در منطقه‌ای جنگی اداره می‌کنید؟

کور شپایک: ساختمانها کلاً تخریب شده، ما در زیرزمینی که پناهگاه بمبهای هسته‌ای است کار می‌کنیم. وقتی که این پناهگاه ساخته می‌شد، به شوخی می‌گفتم نوعی بدگمانی کمونیستی ما را وادار به ساختن چنین چیزی کرده. من یک گروه ده نفره روزنامه‌نگار و ویراستار در اختیار دارم که دوشنبه‌ها می‌آیند سر کار و هفت روز همانجا می‌مانند. آنجا می‌خوابند و هر چه را که برایشان فراهم می‌کنیم می‌خورند. چهار ساعت در روز برای به کار انداختن ماشینهای تایپ و چاپ و از ژنراتوری که با سوخت مایع کار می‌کند استفاده می‌کنیم و باقی اوقات را با نور شمع سر می‌کنیم. خطوط

تلفن و فاکس دو ماه است که از کار افتاده است. برای فروش روزنامه خود اعضای گروه مجبورند بیرون بروند و معمولاً نیم ساعته روزنامه‌ها را به فروش می‌رسانند.

و نشده که تا به حال شماره‌ای را منتشر نکرده باشید؟

نه، هفت روز هفته منتشر می‌کنیم. چون شهر در آوریل سال گذشته محاصره شده بود تهیه کاغذ روزنامه برایمان مقدور نشد بنابراین تیراژ و تعداد صفحات را، برای آنکه روزنامه بیشتر دوام بیاورد، کاهش دادیم. از کاغذهایی که برای چاپ کتابهای درسی و پوستر کنار گذاشته شده بود استفاده کردیم مجبور شدیم قطع روزنامه را سیزده بار تغییر بدهیم. رنگها را هم تغییر دادیم. گاهی به رنگ آبی و گاه صورتی بود. روزی هم به رنگ سبز چاپ شد که افراطیون صرب در

پیل^(۷) گفتند، «بالاخره نشان دادند که مسلمان بنیادگرا هستند».

به این دلیل که سبز رنگ مسلمانان است؟

بله، و ما به آن گفته خندیدیم. ترکیب گروه من تقریباً به طور کامل، همانند بوسنی، ترکیبی است از اقوام مختلف: ۳۰٪ صرب هستند، ۴۰٪ مسلمانند، ۱۰ یا ۱۵٪ کروآت، و معدودی یهودی و کسانی که خود را «یوگوسلاو» می‌خوانند. با آنان هیچ مشکلی نداریم. به رغم آرزوی آنها که می‌خواستند ما را ساکت کنند، ثابت کردیم که نمی‌توان آزادی بیان را با توپ و تانک خاموش کرد.

آیا این مبارزه طلبی شماست که شما را در پیمودن راهتان استوار نگاه می‌دارد؟
بیشتر احساس مسؤلیتی است در قبال



نابودی طلب است. قدم سوم شدیدتر کردن تحریم و مجازاتهاست. چهارم اینکه باید به توافق سیاسی عادلانه‌ای برسیم، و سرانجام، باید جنایتکاران جنگی را به پای میز محاکمه بکشیم.

آیا امکان دارد حملات هوایی منجر به حملات تلافی جویانه توپخانه‌ای به ساریوو بشود؟

بیشتر از یک سال است که هر روز در معرض حملات توپخانه‌ای بوده‌ایم. هر روز عده‌ای می‌میرند. اگر اقدامی نشود، همه نابود خواهیم شد.

اولین کاری که در نظر دارید پس از خاتمه جنگ انجام دهید چیست؟

من مطمئنم که در نخستین شب برقراری صلح در ساریوو مردمانی را خواهید یافت از اقوام مختلف - کروآتها، مسلمانان، صربها - که به دیدار یکدیگر خواهند رفت، در کافه‌ها خواهند نشست و از نور خورشید لذت خواهند برد. من مطمئنم که این تجاوز نتوانسته فرهنگ ما را از بین ببرد.

شهردار استراسبورگ از من پرسید که شهرهای اروپایی برای ساریوو چه کار می‌توانند بکنند و پاسخ من این بود که برای ما درخت بیاورند. وقتی که من شهر را ترک کردم، و به زاگرب رفتم نخستین بار بود که متوجه درختان با برگ‌ها و شکوفه‌هایشان شدم. نمی‌دانستم که بهار آمده‌است چون در ساریوو دیگر درختی نیست.



پی‌نوئیسها:

* این مقاله ترجمه‌ای است از مصاحبه خبرنگاران مجله نیوزویک با کمال کورشیپاک تحت عنوان "Publishing Under Fire"

- Newsweek, May 24, 1993
1. Kemal Kursabic
 2. Oslobođenje (Liberation)
 3. The Courage in Journalism Award
 4. The International Media Foundation
 5. Karen Breslau
 6. Tom Post
 7. Pale



معرض وحشیگری قرار گرفته‌اند. وقتی که گلوله‌ها بر ساختمانهای مسکونی اصابت می‌کنند بین ساکنان، که همه ما باشیم، فرق نمی‌گذارند. مشکل، درگیری قومی درون بوسنی نبود بلکه تجاوزی بود علیه بوسنی برای تصرف خاک و تحقق بخشیدن به رؤیای امپراتوری «صربستان کبیر».

آیا ساده‌انگاری نیست اگر تصور شود که حملات هوایی از شدت جنگ خواهدکاست؟

حملات هوایی به تنهایی کافی نیست اما پیامی است که جهان این نوع تجاوز را تحمل نخواهد کرد. می‌تواند نخستین ضربه‌ای باشد که به افراطیون صرب آسیب بزند. ما با کسانی طرفیم که فقط زبان زور را می‌فهمند. بعد از حملات هوایی باید بین نیروهای زمینی، به نوعی، توازن برقرار کنیم. احمقانه است که به ما گفته شود سلاحهای بسیاری آنجا بوده‌است. این درست، اما تمامی آنها در دست ناهلان است. طرف ما سراپا مسلح و

حرفه‌مان. نمی‌توانیم کاری را که می‌کنیم متوقف کنیم. وقتی که همکاران خارجی مان برای ارسال اخبار جنگ به بوسنی می‌آیند و خودشان را در معرض خطر مسلم قرار می‌دهند، چطور ممکن است ما که در آنجا زندگی می‌کنیم، شهرمان آنجاست، مأیوس شویم؟ در ضمن احساس مسؤولیتی هم به خوانندگانمان داریم. کسانی هستند که بسیار رنج می‌برند، و ما نمی‌توانیم آنان را نادیده بگیریم.

بسیاری از ناظران معتقدند که این جنگ، جنگ صربهاست با مسلمانها و جنگ مسلمانها با کروآتها، اما شما به وضوح می‌گویید که چنین چیزی نیست. این جنگ جنگی است که رژیم حاکم بر صربستان به بوسنی کشانده و بر آن تحمیل کرده‌است. در واقع کسانی که این تجاوز را سازمان دادند هرگز به فرهنگ قومی و رواداری فرهنگی ما تعلق نداشته‌اند. در ساریوو صربها نیز همچون دیگران در